

جنسیت و عدالت کیفری:

ارزیابی عملکرد محاکم کیفری بین‌المللی در شناسایی ابعاد جنسیتی ازدواج اجباری

حیدر پیری • استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. (نویسنده مسئول)

h.piri@uok.ac.ir

نگین غلامی • استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

n.gholami@uok.ac.ir

چکیده

ازدواج اجباری به‌عنوان یکی از اقسام خشونت جنسیتی، در سال‌های اخیر توجه محاکم کیفری بین‌المللی را به خود جلب کرده است. این پژوهش با تمرکز بر ابعاد جنسیتی این پدیده، به واکاوی میزان موفقیت نظام عدالت کیفری بین‌المللی در شناسایی و رسیدگی به آن می‌پردازد. با وجود تصریح اسناد بین‌المللی بر ممنوعیت ازدواج اجباری، رویه محاکم بین‌المللی نشان‌دهنده وجود چالش‌های جنسیتی در مسیر تعریف، اثبات و رسیدگی به این جرم است. پرسش محوری جستار حاضر این است که آیا سازوکارهای موجود قادر به بازتاب ابعاد جنسیتی این جرم در فرآیندهای قضایی هستند؟ به‌رغم پیشرفت‌های حقوقی، سوگیری‌های جنسیتی ساختاری در نظام دادرسی بین‌المللی مانع از شناسایی کامل ابعاد جنسیتی ازدواج اجباری، و شکل‌گیری رویکردی یکپارچه در مواجهه با این پدیده شده است. با این حال، تحلیل پرونده دومینیک اونگون در دیوان بین‌المللی کیفری و تعقیب این جرم تحت عنوان «سایر اعمال غیرانسانی» نشان‌دهنده حرکت به سمت شناسایی جنسیت‌محور این جرم است. اما این امر به دلیل ماهیت چندبعدی و جنسیتی ازدواج اجباری کافی نیست؛ لذا بازنگری در معیارهای دادرسی با تأکید بر توسعه تعریف جنسیت‌محور از ازدواج اجباری، اصلاح سازوکارهای اثباتی با در نظر گرفتن خشونت سیستماتیک علیه زنان، و آموزش جنسیت‌محور قضات بین‌المللی ضروری است.

واژگان کلیدی: عدالت کیفری، عدالت جنسیتی، ازدواج اجباری، جرم جنسیت‌محور.



جنایات جنسی و جنسیت‌محور علیه زنان از سپیده‌دم تاریخ وجود داشته‌اند (Askin, 2011, p.84). در دو دهه اخیر، شاهد تمرکز فزاینده‌ای بر خشونت‌های جنسی و جنسیتی علیه زنان بوده‌ایم. حقوق‌دانان و سازمان‌های غیردولتی این اعمال را در دستور کار قرار داده‌اند و دادستان‌های دادگاه‌های کیفری بین‌المللی نیز به طور فزاینده‌ای جنایات جنسی و جنسیتی را در کیفرخواست‌های خود گنجانده‌اند. علاوه بر این، نقش محاکم کیفری بین‌المللی در توسعه حقوق را نمی‌توان نادیده گرفت (Frulli, 2008, p.1035). یکی از جدیدترین این جرایم که در رویه قضایی بین‌المللی به رسمیت شناخته و توسعه یافته، «ازدواج اجباری» است.

ازدواج اجباری به‌عنوان یکی از اشکال خشونت ساختاری جنسیتی علیه زنان و دختران، همواره در بستر منازعات مسلحانه و نظام‌های مردسالار به‌عنوان ابزاری برای کنترل، بهره‌کشی و تحمیل سلطه به‌کار رفته است. ازدواج اجباری، اقدامی است علیه آزادی اراده و رضایت واقعی افراد (یک یا دوطرف) و مبتنی بر فشار فیزیکی یا روحی است که می‌تواند در زمان و زمینه صلح نیز واقع شود. این پدیده، فراتر از یک جرم فردی، بازتابی از نابرابری‌های جنسیتی نهادینه‌شده در جوامع است که در قالب سیاست‌های سازمان‌یافته و برنامه‌ریزی‌شده توسط گروه‌های مسلح و رژیم‌های سرکوبگر اعمال می‌شود. با وجود پیامدهای ویرانگر آن، از تجاوز جنسی و بردگی تا بارداری اجباری و محرومیت از حقوق بنیادین، ازدواج اجباری در طول تاریخ، جرمی کم‌تر شناخته‌شده و گاه نادیده گرفته‌شده در حقوق بین‌الملل کیفری^۱ بوده است.

ازدواج اجباری یک جنایت جنسیتی است؛ جرمی که متکی بر ایده‌های اجتماعی ساخته‌شده از بندگی و نقش‌های زن در تولید مثل انسان است، و جنایتی که بیانگر هنجارها و ارزش‌های مردسالارانه در درون جوامع است و عمدتاً توسط مردان در ساختار مردسالارانه برنامه‌ریزی و اجرا می‌شود. به علاوه، ازدواج اجباری به نوعی توهین به نهادهای مذهبی و اجتماعی موجود در یک جامعه تلقی می‌گردد، به طوری که مرتکب این جرم، مکرر به عنوان ناقض حقوق بشر مورد سرزنش

^۱ حقوق بین‌الملل کیفری، شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل عمومی است که به مسئولیت کیفری افراد در سطح بین‌المللی، جرم شناسی و مجازات مرتکبان جرایم بین‌المللی می‌پردازد. تمرکز اصلی آن بر مسئولیت کیفری فردی ناقضان قواعد بین‌المللی است. اما حقوق کیفری بین‌المللی، شاخه‌ای از حقوق داخلی کشورها است که به همکاری بین‌المللی در امور کیفری می‌پردازد. تمرکز آن بر همکاری دولت‌ها برای مقابله با جرایم فرامرزی است.

ندارد. از این رو، این پژوهش با تمرکز بر عملکرد محاکم کیفری بین‌المللی، به بررسی این پرسش‌ها می‌پردازد. ابتدا تعاریف و مفاهیم کلیدی مرتبط با جرایم جنسی و جنسیتی تبیین می‌شود، سپس رویکرد قضایی دیوان بین‌المللی کیفری و سایر محاکم در مواجهه با ازدواج اجباری تحلیل می‌گردد، و در نهایت، تأثیر جنسیت بر نحوه رسیدگی به این جرم و تعیین مجازات مرتکبان ارزیابی می‌شود. هدف نهایی، واکاوی نقاط قوت و ضعف نظام‌های بین‌المللی در شناسایی ابعاد جنسیتی ازدواج اجباری و ارائه راهکارهایی برای تقویت حمایت از قربانیان در پرتو عدالت جنسیتی است.

- روش پژوهش: این پژوهش عمدتاً کتابخانه‌ای و اسنادی است و اساساً با روش توصیفی-تحلیلی با مراجعه به منابع مکتوب از جمله مقالات و کتب مرتبط با موضوع تحقیق انجام شده است. معاهدات و اسناد بین‌المللی و تفسیر آنها، آرای محاکم کیفری بین‌المللی و نظرات اندیشمندان برجسته حقوق بین‌الملل، مبنای مورد بررسی این پژوهش را تشکیل داده‌اند.

۱. ماهیت جنسیتی ازدواج اجباری: مفهوم‌شناسی، مصادیق و جایگاه در حقوق بین‌الملل کیفری

زمینه وقوع ازدواج اجباری در درگیری‌ها و جنایات جمعی، به نظر می‌رسد تحت تأثیر جنسیت است. قربانیان به دلیل پیش‌فرض‌های اجتماعی ساخته‌شده‌ای هدف قرار می‌گیرند که مرتکبان درباره نقش زنان و مردان در یک جامعه خاص دارند؛ برای مثال، دیدگاه‌هایی که مردان و زنان را صرفاً در نقش تولیدمثل‌کننده می‌بینند یا زنان را به‌عنوان دارایی، خدمتکار، ارائه‌دهنده خدمات جنسی و مراقبت‌کننده تصور می‌کنند. ازدواج اجباری تجلی هنجارها و ارزش‌های مردسالارانه است که در جوامع ریشه دوانده و «به‌صورتی عمیق در ذهنیت مردان و زنان نهادینه شده‌اند» (Manne, 2018, p.230). بنابراین جای تعجب نیست که اکثریت قربانیان ازدواج اجباری که تاکنون توسط دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، سازمان ملل متحد و سایر نهادها شناسایی شده‌اند، دختران و زنان بوده‌اند و اکثر مرتکبان نیز مرد هستند (Rosenthal et al, 2022, p.207).^۱ این واقعیت لزوم به‌کارگیری یک نگاه جنسیتی را هنگام بررسی نحوه درک و تعریف حقوق بین‌الملل کیفری از این نقض حقوق و همچنین شیوه‌ای که باید آن را درک و تعریف کند، آشکار می‌سازد.

بنابر تعریف سند خط مشی دفتر دادستان، جرایم مبتنی بر جنسیت، جرایمی است که علیه افراد،

^۱ هر چند ازدواج اجباری جنایتی است که بیانگر هنجارها و ارزش‌های مردسالارانه در درون جوامع است و عمدتاً توسط مردان در ساختار مردسالارانه برنامه‌ریزی و اجرا می‌شود، اما نگارندگان اذعان دارند که مردان نیز ممکن است قربانی ازدواج اجباری شوند همانگونه که شعب فوق‌العاده محاکم کامبوج در رأی تجدیدنظر پرونده خیم سامفان اذعان داشت که مردان نیز می‌توانند قربانی ازدواج اجباری باشند (ECCC, Samphân Case, 2022, Para.1563).

اعم از زن یا مرد به دلیل جنسیتشان واقع می‌شود، حتی اگر فاقد مؤلفه جنسی باشد؛ مانند ختنه اجباری یا محرومیت دختران از تحصیل به دلیل زن بودن. در مقابل، جرایم جنسی، رفتارهایی اند که ماهیت جنسی دارند که خود اعم از رفتارهای فیزیکی مانند تجاوز جنسی و غیرفیزیکی مانند برهنه نمودن اجباری است.

ازدواج اجباری تنها مسئله‌ای تاریخی نیست؛ این پدیده همچنان در منازعات سراسر جهان، برای مثال در نیجریه توسط بوکو حرام و در مناطق تحت کنترل داعش رواج دارد.^۱ زنان درگیر در ازدواج‌های اجباری اغلب با «رنجی غیرقابل تصور مواجه می‌شوند، زیرا اساسی‌ترین حقوق بشر آنان از طریق تجاوز، خشونت، شکنجه، بارداری اجباری و کار اجباری نقض می‌شود» (Scharf and Mattler, 2005, p.24). سایر جنایات همراه با ازدواج اجباری نیز گزارش شده‌اند، از جمله شکنجه جنسی، نقص عضو جنسی، سقط جنین اجباری و وادار کردن به مصرف مواد مخدر (Human Rights Watch, 2003, pp.33,41). این اعمال نشان می‌دهد که ازدواج اجباری جرمی چندلایه است (Frulli, 2008, p.1036). اگرچه این پدیده رنج فراوانی ایجاد می‌کند، اما برخی استدلال می‌کنند که این یک «جرم نادیده گرفته شده یا مغفول مانده^۲» است (Christensen, 2015, p.1845).

ازدواج اجباری مصداق تضییع حقوق انسانهاست و نمونه‌ای از خشونت جنسیتی محسوب می‌شود. جنسیت واقعی انکارناپذیر در نظام آفرینش است. از منظر حقوق بین‌الملل کیفری، جنسیت به عنوان یک ویژگی هویتی اغلب هدفگیری شده، جایگاه حقوقی مشخصی دارد. این جایگاه در دو سطح قابل ردیابی است: نخست، در قالب جرم مستقل چون آزار و اذیت که می‌تواند بر اساس جنسیت صورت پذیرد (ماده ۷(۱)(ح) اساسنامه رم)؛ و دوم، به‌عنوان معیار تبعیض‌آمیز که می‌تواند وصف تشدیدکننده برای سایر جرائم علیه بشریت باشد (ماده ۷(۱)(ه) اساسنامه رم). بدین ترتیب، جنسیت از یک واقعیت اجتماعی به یک معیار حقوقی در ارتکاب یا تشدید کیفر جنایات بین‌المللی تبدیل می‌شود. کمیته منع تبعیض علیه زنان^۳ خشونت مبتنی بر جنسیت را خشونت هدایت شده علیه یک زن به سبب زن بودن وی که اثرات نامطلوبی بر وی می‌گذارد، تعریف کرده است (CEDAW, 1992). طبق ماده یک اعلامیه ملل متحد ناظر بر حذف خشونت علیه زنان اصطلاح خشونت علیه زنان هر گونه اعمال خشونت‌آمیز مبتنی بر جنسیت که موجب بروز یا احتمال بروز صدمات و آسیب‌های جسمی، جنسی، یا روانی یا آزار زنان شود و تهدید به انجام چنین اعمالی که منتج به

¹ <https://www.hrw.org/news/2015/04/14/iraq-isis-escapees-describe-systematic-rape>

² overlooked crime

³ Committee on Elimination of Discrimination Against Women (CEDAW)

محروریت اجباری یا خودسرانه از آزادی، چه در زندگی عمومی یا خصوص شود را در بر می‌گیرد. جرایم جنسی (مانند تجاوز، حاملگی اجباری، عقیم سازی اجباری و بردگی جنسی)، در اساسنامه رم و رویه دیوان بین‌المللی کیفری به رسمیت شناخته شده‌اند. سند خط‌مشی دادستانی دیوان در کنار عنوان جرایم جنسی اقدام به استعمال عنوانی می‌نماید که از متن اساسنامه غایب است و آن جرایم مبتنی بر جنسیت می‌باشد. جرایم مبتنی بر جنسیت عنوان عامی است و مجموعه‌ای از رفتارهای مجرمانه که به دلیل جنسیت (به مثابه یک شرط زمینیه‌ای و نه انگیزه) ارتکاب می‌یابد را شامل می‌شود. جرایم جنسی نیز مصداقی از جرایم مبتنی بر جنسیت می‌باشد. به بیان دیگر نسبت میان جرایم مبتنی بر جنسیت (عام) و جرایم جنسی (خاص) رابطه عموم و خصوص مطلق می‌باشد. نکته مهم آن می‌باشد که از منظر اساسنامه رم جنسیت تنها شامل جنس مذکر و مونث می‌شود و رفتارهای مجرمانه‌ای که نسبت به سایر هویت‌های جنسی (تراجنسی‌ها) اعمال می‌شود و داخل در این عنوان نخواهد بود (رادمهر و ترشیزی، ۱۳۹۹، ص.۳).

نکته محوری در تحلیل ماهیت جنسیتی ازدواج اجباری، درک جایگاه آن در این چارچوب مفهومی است. ازدواج اجباری، با دارا بودن مؤلفه‌های جنسی (مانند اجبار به روابط زناشویی)، آشکارا در ذیل جرایم جنسی قرار می‌گیرد. با این حال، ماهیت آن فراتر از این رفته و آن را به نمونه‌ای بارز از یک جرم مبتنی بر جنسیت نیز تبدیل می‌کند؛ زیرا قربانی شدن در آن به‌طور سیستماتیک و بر اساس نقش‌های اجتماعی جنسیتی شده (نظیر توقع انجام کارهای خانگی، تولیدمثل و خدمت‌رسانی جنسی به‌عنوان «همسر») شکل می‌گیرد. به بیان دیگر، ازدواج اجباری هم یک جرم جنسی است و هم جرمی عمیقاً مبتنی بر جنسیت که در آن، زنان و دختران نه صرفاً به‌عنوان افراد، بلکه به‌عنوان اعضای گروه جنسیتی زن هدف قرار می‌گیرند. این دوگانگی، پیچیدگی و ابعاد چندلایه خشونت در این پدیده را نشان می‌دهد.

شرط اصلی تحقق و ارتکاب جرایم جنسی وجود و احراز مؤلفه جنسی در رفتارهای مجرمانه ارتكابی می‌باشد. تماس و خشونت فیزیکی البته در این میان مدخلیت و موضوعیت ندارد و رفتارهای جنسی چه دربردارنده تماس جسمی باشد و چه فاقد آن می‌تواند تحقق بخش جرایم جنسی باشد. به عنوان نمونه برهنه‌سازی اجباری که بدون مداخله و اجباری فیزیکی مرتکب صورت پذیرد نیز از مصادیق جرایم جنسی قلمداد شده است. همچنین دادستانی دیوان در تفسیر مهم خود رفتار مجرمانه، قاچاق انسان با هدف استثمار جنسی را نیز داخل در مفهوم و عنوان مجرمانه بردگی جنسی دانسته است که می‌تواند مثابه شروع به جرم آن رفتار محسوب شده و صلاحیت دیوان را

فعال سازد (ذاکر حسین، ۲۰۱۴).

ازدواج اجباری جرمی به شدت جنسیتی شده^۱ است؛ جرمی که متکی بر ایده‌های اجتماعی ساخته شده درباره خدمتکاری زنان و نقش آن‌ها در تولیدمثل است و عمدتاً توسط مردان در چارچوب ساختارهای مردسالارانه برنامه‌ریزی و اجرا می‌شود. اگرچه مؤلفه جنسیتی آسیب‌های ازدواج اجباری و خشونت جنسی که به طور نامتناسبی زنان و دختران را تحت تأثیر قرار می‌دهد مورد توجه است، داده‌های قوم‌نگارانه پیشنهاد می‌کنند که جرم‌انگاری ازدواج اجباری از تحلیل صرفاً جنسیت‌محور فاصله گرفته و به سمت رویکردی جنسیت‌خنثی مبتنی بر اجبار چندجانبه حرکت کند. فرماندهان ارشد که دستور ازدواج‌های اجباری را صادر می‌کنند باید با مجازات‌هایی مواجه شوند که تمامیت آسیب‌های وارده به همسران و فرزندان ناشی از این پیوندهای اجباری را به رسمیت بشناسد. این رویکرد می‌تواند ارزش‌های سزادهنده، بازدارنده و بیانگر مجازات کیفری را تقویت کند. در نهایت، درک دقیق و چندبعدی از ازدواج اجباری می‌تواند مبنایی برای برنامه‌های بازاجتماعی‌پذیری و بازتوانی مؤثرتر و هدفمند برای تمام آسیب‌دیدگان فراهم کند.

۲. خشونت جنسی به عنوان یک مضمون عدالت کیفری

اگرچه در رویه قضایی دادگاه ویژه سیرالئون در مورد اینکه آیا ازدواج اجباری «عمدتاً یک جرم جنسی» محسوب می‌شود یا خیر اختلاف دیدگاه وجود دارد، اما می‌توان با اطمینان گفت که این پدیده، در عمل، نوعی خشونت جنسی است. این نتیجه‌گیری از آنجا ناشی می‌شود که بررسی آرای این دادگاه نشان می‌دهد حتی به یک مورد هم اشاره نشده است که در آن شواهد، وقوع ازدواج اجباری بدون همراهی با نقض حقوق جنسی قربانی را نشان دهد.

به رسمیت شناختن خشونت جنسی به عنوان جرایم جدی، پس از دهه‌ها انتقاد مکرر به جامعه نظام حقوقی بین‌المللی به دلیل ساختار سازمانی و هنجاری مردانه آن حاصل شده است. تنها پس از دوره‌ای طولانی که عمدتاً مردان بر حوزه حقوق بین‌الملل تسلط داشتند، وقوع جرایم جنسیتی مورد پذیرش بیشتری قرار گرفته است (Charlesworth et al., 1991, p.615).

در ابتدا باید اشاره کرد که خشونت جنسی زنان و مردان را در تمام کشورها، چه در شرایط صلح، ناپایداری یا درگیری مسلحانه تحت تأثیر قرار می‌دهد. خشونت جنسی در تعریفی گسترده شامل طیف وسیعی از رفتارهای مضر جنسی است. آنچه عمدتاً در دستور کار نظام حقوق بین‌الملل کیفری قرار گرفته، مواردی است که ارتباطی بین خشونت جنسی و شرایط درگیری یا پس از

¹ Gendered crime

درگیری وجود دارد. قربانیان جرایم جنسی بین‌المللی که در چارچوب درگیری‌های مسلحانه یا رژیم‌های استبدادی رخ داده‌اند، غالباً در معرض خشونت‌های شدیدی قرار گرفته‌اند که ممکن است بخشی از یک کمپین ترور و شکنجه برای تحقیر، ارباب و هدف قرار دادن بخش‌های خاصی از جامعه بوده باشد. در چندین درگیری، مانند موارد فعلی در جمهوری دموکراتیک کنگو یا نیجریه، خشونت جنسی به عنوان سلاحی استراتژیک در جنگ برای نابودی هسته جوامع، معیشت و خانواده‌ها استفاده می‌شود (Zinsstag and Busck-Nielsen, 2018, pp.501-502).

از نظر تاریخی، ارتکاب تجاوز جنسی و خشونت جنسی در درگیری‌ها اجتناب‌ناپذیر یا بی‌اهمیت تلقی می‌شد. تنها در دوره‌های اخیر است که قوانین جنگ و کنوانسیون‌های بین‌المللی سعی کرده‌اند ابزارهایی برای تقویت محافظت در برابر اشکال خاص خشونت جنسی ارائه دهند. در طول محاکمات نورنبرگ، اگرچه موارد تجاوز جنسی و برخی دیگر از جرایم جنسی در پرونده‌ها ثبت شد، اما از کیفرخواست و حکم نورنبرگ حذف شدند (Van Schaack, 2008, p.14). جرایمی که در درگیری‌های تاریخی و معاصر مشهود بوده‌اند، تنها اخیراً توسط دادگاه‌ها و محاکم بین‌المللی به عنوان نسل‌زدایی، شکنجه و جنایت علیه بشریت به رسمیت شناخته شده‌اند.

در چند دهه اخیر، جامعه بین‌المللی در پاسخ به پذیرش بیشتر خشونت جنسی و جنسیتی به عنوان جرایم جدی، گام‌های عملی متعددی برداشته است. شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۸ قطعنامه ۱۸۲۰ را به اتفاق آرا تصویب کرد که در آن خشونت جنسی به عنوان تاکتیکی در جنگ و همچنین تهدیدی جدی برای صلح و امنیت بین‌المللی به رسمیت شناخته شد (SC Res. 1820, 2008). در سال ۲۰۱۰، شورای امنیت قطعنامه دیگری به شماره ۱۹۶۰ را به اتفاق آرا تصویب کرد. این قطعنامه علاوه بر تأکید بر سیستماتیک، گسترده و فراگیر بودن خشونت جنسی در درگیری‌های مسلحانه، به ایجاد ابزارهای نهادی برای مبارزه با مصونیت از مجازات کمک کرد. این قطعنامه گام‌های خاصی را برای پیشگیری و محافظت در برابر خشونت جنسی در درگیری‌ها ترسیم می‌کند (SC Res. 1960, 2010). در همان سال، سازمان ملل دفتر نماینده ویژه دبیرکل در مورد خشونت جنسی در درگیری را تأسیس کرد و مارگوت والس‌تروم^۱ را به عنوان اولین نماینده ویژه منصوب کرد (UN Secretary-General Appointments, 2010). تأسیس این دفتر گامی مهم در مبارزه با مصونیت از مجازات برای خشونت جنسی مرتبط با درگیری بود، زیرا تلاش‌های سازمان ملل را در این زمینه تقویت می‌کرد.

¹ Margot Wallström

آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل، در گزارش ۲۰۱۹ خود در مورد خشونت جنسی مرتبط با درگیری اعلام کرد که از سال ۲۰۱۰ «تغییر پارادایمی» در درک جهانی از جرم خشونت جنسی در درگیری رخ داده است (UN Secretary-General, 2019, p.2). به گفته گوترش، در حالی که جامعه بین‌المللی به طور سنتی خشونت جنسی را به عنوان یک موضوع بهداشت باروری یا توسعه در نظر می‌گرفت^۱، اکنون مفهوم خشونت جنسی مرتبط با درگیری را پذیرفته است.

دفتر دادستان دیوان بین‌المللی کیفری بیانیه‌های رسمی متعددی صادر کرده که نشان می‌دهد جرایم خشونت جنسی در اولویت دفتر دادستان دیوان قرار دارد. چهارمین هدف استراتژیک در برنامه استراتژیک دفتر دادستان دیوان برای سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۲۱، ادغام دیدگاه جنسیتی در تمام زمینه‌های کاری دفتر را تأیید می‌کند (ICC OTP, 2019, p.5). تعهد دفتر دادستان دیوان برای جلوگیری از مصونیت از مجازات جرایم خشونت جنسی در سند سیاستی جرایم جنسی و جنسیتی مصوب ۲۰۱۴ نیز منعکس شده است (ICC OTP, 2014). این سند سیاستی به مسائل متعدد آیین دادرسی و عملی که نیازمند توجه ویژه در رابطه با خشونت جنسی و جنسیتی است، می‌پردازد؛ از جمله هنگام برخورد با اقدامات حفاظتی، تصمیم‌گیری در مورد ترکیب تیم‌های تحقیق یا تعیین مجازات مجرمان (Andréewitch, 2020).

عمل ربودن سیستماتیک زنان و دختران، تجاوز به آنان، اجبار آنها به ارائه خدمات جنسی، انجام کارهای خانگی، باردار شدن و فرزندآوری برای شورشیان، همراه با تهدید مداوم مجازات یا مرگ در صورت عدم تبعیت از این شرایط، ویژگی شناخته‌شده بسیاری از درگیری‌هاست. این واقعیت در سیرالئون و همچنین در بسیاری از کشورهای دیگر مانند رواندا و اوگاندا وجود داشته است.

۳. تشریح رفتارهای تشکیل‌دهنده و آسیب‌شناسی جنسیتی ازدواج اجباری

اگرچه میان دادگاه ویژه سیرالئون، دادگاه فوق‌العاده کامبوج و دیوان بین‌المللی کیفری اجماع قوی وجود داشت که ازدواج اجباری مصداق «سایر اعمال غیرانسانی» است، اما در ابتدا شفافیت کمتری در مورد رفتار دقیق و آسیب‌های خاص ناشی از این اصطلاح وجود داشت. این عدم شفافیت ناشی از رویه قضایی در حال تحول دادگاه ویژه سیرالئون و شعب فوق‌العاده دادگاه‌های کامبوج بود. نخستین رأی دادگاه بدوی دادگاه ویژه سیرالئون که به بررسی رفتارها و آسیب‌های ازدواج اجباری پرداخت، پرونده بریما و دیگران، اتهامات ازدواج اجباری را به این دلیل که ذیل اتهامات بردگی

¹ Report of the Secretary-General on the implementation of Security Council resolutions 1820 (2008) and 1888 (2009), 2010, 6.

جنسی قرار می‌گرفتند، رد کرد (AFRC, Brima Trial Judgment, 2007 para.712). این تقلیل ازدواج اجباری به صرفاً یک جرم جنسی، در مرحله تجدیدنظر نقض شد (AFRC, Brima Appeals Judgment, 2008, para.195). دیوان تجدیدنظر ازدواج اجباری را به عنوان «رابطه زناشویی تحمیلی» تعریف کرد که دو نوع آسیب به قربانیان وارد می‌کند:

- آسیبهای ناشی از تحمیل وضعیت همسر (از جمله انگ اجتماعی)؛
- سوءرفتارهای ناشی از اجبار به انجام تکالیف زناشویی مانند کار اجباری خانگی، تسلیم شدن در برابر تجاوز، و باردار شدن و پرورش فرزندان حاصل از این «ازدواج» (AFRC, Brima Appeals Judgment, 2008, paras.190-200).

این رویه در پرونده دادستان علیه سسی، کالون و گبائو نیز تأیید شد. به‌ویژه، رأی دادگاه بدوی اشاره کرد که تحمیل وضعیت «همسر» منجر به دستکاری روانی قربانیان، ترساندن جامعه آنها، تخریب خانواده‌ها و تضعیف جامعه سیرالئون می‌شد (RUF, Sesay Trial Judgment, 2009, paras.1154, 1211, 1466-1472). با این حال، این شفافیت فزاینده با رأی نهایی دادگاه ویژه سیرالئون در پرونده تیلور مخدوش شد که در اظهارات جنبی¹ خود عنوان کرد اصطلاح بردگی زناشویی مناسب‌تر از «ازدواج اجباری» است و رفتار غیرقانونی، ترکیبی از بردگی جنسی و خانگی محسوب می‌شود (Taylor, Trial Chamber, 2012, paras.425-30). دادگاه تجدیدنظر به این نظر پرداخت و بنابراین فرصت روشن‌گری یا یکسان‌سازی رویه قضایی را از دست داد.

شعب فوق‌العاده دادگاه‌های کامبوج به عنوان دومین دادگاهی که به تعقیب ازدواج اجباری پرداخت، موافق بود که رفتار غیرقانونی شامل اجبار قربانیان به ورود به روابط زناشویی در شرایط تحمیلی است (ECCC, 2010, para.1443). این دادگاه دو نوع آسیب را شناسایی کرد: آسیب به قربانیان زن و مردی که وضعیت «همسر» به آنها تحمیل شد (از طریق مراسم ازدواج سازماندهی شده توسط خمرهای سرخ که فاقد آیین‌های سنتی بود) و تجاوزهای پس از آن.

رویکرد شعب فوق‌العاده دادگاه‌های کامبوج نشان داد که رفتارهای خاص تحت عنوان «ازدواج اجباری» یکسان نیستند. در حالی که دادگاه ویژه سیرالئون بر کار اجباری خانگی و جنسی و استفاده از عنوان «همسر» (بدون ازدواج قانونی) به عنوان بخش‌های جدایی‌ناپذیر رفتار غیرقانونی تأکید داشت، شعب فوق‌العاده دادگاه‌های کامبوج بر عدم رضایت به ازدواج واقعی تحت قوانین خمرهای سرخ و تجاوز پس از ازدواج تمرکز کرد (ECCC, 2014, paras.3670-3701). این تفاوتها هم

¹ Obiter dicta

انعطاف‌پذیری اصطلاح «ازدواج اجباری» و هم‌کمبود نظریه‌پردازی دقیق درباره رفتارهای تشکیل‌دهنده آن را نشان می‌دهد (Oosterveld, 2019, p.1277).^۱

دیوان بین‌المللی کیفری در پرونده دومینیک اونگون درک رفتارها و آسیب‌های ناشی از ازدواج اجباری را عمیق‌تر و تثبیت کرد. شعب مقدماتی، بدوی و تجدیدنظر تأکید کردند که رفتارهای متهم تحت عنوان ازدواج اجباری حداقل دو نوع آسیب منحصر به فرد ایجاد می‌کند:

- نقض استقلال رابطه‌ای قربانی (از جمله طرد اجتماعی) توسط متهم؛
- طیفی از نقض حقوق بشر (ICC, Ongwen Confirmation of Charges, 2016, paras 92-94; Ongwen Trial Judgment, 2021, paras 2748-2751; Ongwen Appeals Judgment, 2022, paras.1022-1024).

به طور مشخص، این رویه «عنصر محوری» ازدواج اجباری را روشن می‌کند: تحمیل تکالیف و وضعیت اجتماعی مرتبط با ازدواج، صرف‌نظر از اراده قربانی، تحت عنوان «همسر» بودن متهم (ICC, Ongwen Confirmation of Charges, 2016, para.93). این تحمیل وضعیت «همسری» باعث ایجاد انحصار می‌شود، به طوری که قربانی نمی‌تواند هیچ رابطه زناشویی دیگری داشته باشد. شعبه مقدماتی^۲ دیوان همچنین خاطرنشان کرد که رابطه زناشویی تحمیلی به همراه انحصار جنبه‌های مشخصه ازدواج اجباری هستند که در سایر اتهامات اونگون وجود ندارند (ICC, Ongwen Confirmation of Charges, 2016, para.93). همچنین، این دادگاه حق بنیادین مورد حمایت توسط این اتهام را تشریح کرد: حق مستقل بر ازدواج توافقی و تشکیل خانواده که متمایز از حقوقی مانند تمامیت جسمی/جنسی یا آزادی فردی است. این حق در معاهدات بین‌المللی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است (ICC, Ongwen Confirmation of Charges, 2016, para.94).

انکار استقلال رابطه‌ای قربانی عمدتاً از طریق انتساب و تحمیل اجباری وضعیت «همسری» به وی محقق می‌شود (ICC, Ongwen Trial Judgment, 2021, para.2748). وکلای مدافع اونگون استدلال کردند که هیچ پیوند زناشویی واقعی بین متهمان و قربانیان وجود نداشت، زیرا یکی از شرایط ازدواج در فرهنگ آچولی محقق نشده بود و رابطه آنها در واقع «صرف همزیستی» بود (ICC, Ongwen Appeals Judgment, 2022, para.1024). در پاسخ، تمام شعب دیوان تأکید کردند که غیرقانونی بودن یا عدم رسمیت این «ازدواج» طبق قوانین یا عرف جامعه محل وقوع، بی‌ارتباط است (Ongwen Confirmation of Charges, 2016, para.93). شعبه تجدیدنظر دیوان اعلام کرد که

^۱ والرئ اوسترولد، استاد حقوق بین‌الملل و پژوهشگر جنسیت و حقوق کیفری بین‌المللی.

^۲ Pre-Trial Chamber

وجود رابطه زناشویی می‌تواند بر اساس واقعیات پرونده، از جمله ماهیت رابطه بین متهم و قربانی، و دیدگاه ذهنی قربانی، اشخاص ثالث و متهم اثبات شود (ICC, Ongwen Appeals Judgment, 2022, para. 1025). به عبارت دیگر، آنچه مهم است این است که آیا یک رابطه زناشویی به طور واقعی بر قربانی تحمیل شده یا خیر (ICC, Ongwen Confirmation of Charges, 2016, para.93).

دادگاه‌ها به پیامدهای محرومیت از استقلال رابطه‌ای نیز پرداختند: قربانیان دچار آنگ اجتماعی، آسیب روانی و حمله شدید به حیثیت انسانی می‌شوند. این آنگ ممکن است منجر به طرد قربانیان از جامعه شود. همچنین، اگر ازدواج اجباری منجر به تولد فرزندان شود، آثار عاطفی و روانی پیچیده‌ای بر قربانی و کودکانشان وارد می‌کند (ICC, Ongwen Appeals Judgment, 2022, paras.1025,1015).

دومین آسیب منحصر به فرد ناشی از ازدواج اجباری، نقض‌های متعدد حقوق بشری است که بسته به بافت و ساختار متفاوت هستند. دیوان بین‌المللی کیفری جزئیات بیشتری ارائه داد و اشاره کرد که این آسیب‌ها با تکالیف مرتبط با ازدواج و انتظارات و نقش‌های جنسیتی تحمیلی مرتبط هستند (ICC, Ongwen Confirmation of Charges, 2016, para. 93; Ongwen Trial Judgment, 2021, paras.2748-2749). بسیاری از این نقض‌ها خود به عنوان جرم مستقل محسوب می‌شوند، مانند:

- ربودن، تجاوز، بردگی جنسی؛
- اجبار به انحصار در رابطه جنسی؛
- ترس از مجازات خشونت‌آمیز در صورت ترک رابطه؛
- قرار گرفتن اجباری در رابطه چندهمسری؛
- بارداری اجباری؛
- کار اجباری خانگی (پخت و پز، نظافت)؛
- حمل اجباری بار.

به طور مشابه، شعبه مقدماتی در پرونده اونگون شاخص‌های ازدواج اجباری را شامل مواردی دانست که قربانی:

- به بردگی جنسی یا غیرجنسی گرفته شده؛
- محدودیت در آزادی حرکت دارد؛

- مورد آزار جنسی مکرر، بارداری اجباری یا کار اجباری قرار می‌گیرد (ICC, (Ongwen Trial Judgment, 2021, paras.2748–2749).

با این حال، این تکالیف و پیامدها به خودی خود ازدواج اجباری محسوب نمی‌شوند، زیرا نقض استقلال رابطه‌ای نیز ضروری است (ICC, Ongwen Confirmation of Charges, 2016, para. 93; Ongwen Trial Judgment, 2021, para. 2748; Ongwen Appeals Judgment, 2022, para.1024). شعبه بدوی دیوان در پرونده اونگون پذیرفت که این نقض‌های حقوق بشری ممکن است همپوشانی با سایر جرائم مصرح در اساسنامه رم داشته باشند، و این همپوشانی نشان می‌دهد که ازدواج اجباری از نظر ماهیت و شدت مشابه آن جرائم است (AFRC, Brima Appeals Judgment, 2008, para.190). اما تحمیل وضعیت همسری در سایر جرائم وجود ندارد و این تمایز لازم را ایجاد می‌کند (ICC, Ongwen Confirmation of Charges, 2016, para.92).

در پاسخ به استدلال‌های وکلای مدافع، شعب مختلف دادگاه‌ها توضیح دادند که چرا ازدواج اجباری با بردگی جنسی یا تجاوز به عنوان جنایت علیه بشریت متفاوت است، به طوری که وجود یکی، دیگری را نفی نمی‌کند. مثلاً: بردگی جنسی، محدود کردن خودمختاری جنسی قربانی در حالت بردگی، از جمله اعمال مالکیت بر فرد است (ICC, Ongwen Trial Judgment, 2021, paras.205, 208, 209–210, 215, 218, 220, 2748, 2750). اما ازدواج اجباری، تحمیل رابطه زناشویی انحصاری با پیامدهای انضباطی در صورت نقض این انحصار است. همچنین، جرم تجاوز، تحمیل وضعیت زناشویی را جرم‌انگاری نمی‌کند و قربانیان ازدواج اجباری، آثار روانی و اجتماعی فراتر از قربانیان صرف تجاوز متحمل می‌شوند (ICC, Ongwen Appeals Judgment, 2022, paras.1027–1028).

با این حال، همه نقض‌های حقوق بشری مرتبط با ازدواج اجباری، جرائم بین‌المللی محسوب نمی‌شوند مانند ترس از ترک رابطه به دلیل تهدید به مجازات خشونت‌آمیز یا اجبار به چند همسری^۱ (ICC, Ongwen Confirmation of Charges, 2016, paras.92–93). موارد دیگر شامل نقض حق سلامت، محرومیت از تحصیل و گسست پیوندهای خانوادگی هستند. اگرچه تحلیل دادگاه‌ها از برخی نقض‌های فاحش حقوق بنیادین کودکان دختر (به عنوان سربازان کودک) غفلت کرد (ICC,

^۱ حق بر ازدواج با رضایت کامل و آزادانه از جمله حقوقی است که در بسیاری از اسناد حقوق بشری مورد توجه قرار گرفته است. از جمله در بند ۲ ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۳ ماده ۲۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۶ کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، قطعنامه ۱۷۶۳ مجمع عمومی سازمان ملل مورخ ۷ نوامبر ۱۹۶۲، اعلامیه و برنامه عمل بین ۱۹۹۵، قطعنامه ۱۴۶۸ مجمع عمومی پارلمانی شورای اروپا مصوب ۲۰۰۵ و کنوانسیون استانبول ۲۰۱۱ مصوب شورای اروپا.

Ongwen Trial Judgment, 2021, paras.2747,2748)، اما تشریح رفتارها و آسیب‌های ازدواج اجباری، درک حقوق بین‌الملل کیفری از این عمل غیرانسانی را اصلاح و تثبیت نمود.

۴. تحلیل عملکرد محاکم کیفری بین‌المللی در شناسایی ازدواج اجباری به عنوان جرم مستقل

آیا حقوق بین‌الملل کیفری به نقطه‌ای رسیده است که ازدواج اجباری را به عنوان یک جرم مستقل به رسمیت بشناسد؟ گروهی از حقوقدانان ادعا کرده‌اند که با تأیید اتهامات توسط شعبه مقدماتی در پرونده اونگون، اجماعی در حقوق بین‌الملل کیفری درباره تعقیب و محکومیت ازدواج اجباری به عنوان جنایت علیه بشریت تحت عنوان «سایر اعمال غیرانسانی» وجود دارد (Eboe-Osuji, 2012, p.222). اما با بررسی پرونده‌هایی که در آنها عناصر ازدواج اجباری وجود داشته اما به عنوان جرم مستقل تعقیب نشده‌اند، می‌توان پرسید که آیا این ادعا با واقعیت مطابقت دارد؟

۱.۳. رویه دادگاه‌های موقت؛ نقش پیشگامانه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا

باید خاطر نشان کرد که پیش از تأسیس دادگاه ویژه سیرالئون، دادگاه‌های ویژه موردی در برخی پرونده‌ها به موضوع ازدواج اجباری در یوگسلاوی سابق و رواندا اشاره کرده بودند (اگرچه اتهام ازدواج اجباری هرگز در هیچ یک از کیفرخواست‌ها مطرح نشد). در پرونده کوچکا و دیگران، شعبه بدوی دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق اعلام کرد که خشونت جنسی می‌تواند «شامل جرائمی مانند نقص عضو جنسی، ازدواج اجباری و سقط جنین اجباری نیز بشود» (ICTY, Kvočka et al, 2001, para.180).

استدلالی که بر اساس آن ازدواج اجباری می‌تواند یک جرم جنسی محسوب شود، احتمالاً مبتنی بر یافته‌های دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا در پرونده آکایسو بود. در این پرونده، شاهد NN شهادت داد که متهم «او را در خانه‌اش زندانی کرده، از گروه جدا نموده و اعلام کرده بود که او همسر اوست» (Kalra, 2001, 201). بنابراین، ازدواج اجباری در رواندا رواج داشت، اما به ندرت درباره آن صحبت می‌شد (Bunting, 2012, p.176). با این حال، خشونت جنسی به صورت بسیار گسترده تعریف شده بود تا طیف وسیعی از اعمال، از جمله ازدواج اجباری، را در بر بگیرد (ICTR, Akayesu, 1998, para.688). دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا می‌بایست «از معیارهای مشابه گسترده در بررسی ازدواج اجباری استفاده می‌کرد» (Kalra, 2001, p.200). اگرچه دادستانی از وقوع گسترده ازدواج‌های اجباری در طول نسل‌کشی آگاه بود، اما این جرم هرگز در کیفرخواست گنجانده نشد (Ibid, p.203). به طور کلی، از ازدواج اجباری به ندرت به عنوان شکلی از خشونت جنسی که به صور مختلف در طول نسل‌زدایی در رواندا صورت گرفت، صحبت شده و هرگز تحت رسیدگی قرار

نگرفت (Bunting, 2012, p.7) و علیرغم وجود آن و پایداریش در تحقیقات به عمل آمده در رابطه با نسل زدایی بدون بررسی و مدرک باقی ماند (توحید و داداشی، ۱۳۹۸، ص.۲۱).

در پرونده کونارک، شعبه بدوی دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق با وضعیتی مواجه شد که از نظر واقعی بسیار شبیه به مورد «همسران جنگلی»^۱ در سیرالئون بود. دو دختر اسیر شده بودند و در روابط انحصاری با آدم‌ربایان خود بارها مورد تجاوز قرار گرفته بودند. علاوه بر این، مجبور بودند «از تمام دستورات متهم اطاعت کنند» و «کارهای خانه‌داری انجام دهند» (ICTY, Kunarac et al., 2001, para.728). دادگاه بدوی بر طول مدت اسارت و رابطه مالکیت تأکید کرد و کونارک را به جرم تجاوز جنسی و بردگی به عنوان جنایت علیه بشریت محکوم نمود (Gong-Gershowitz, 2009, p.59). وجه مشترک این پرونده‌ها در دادگاه‌های ویژه این بود که ازدواج اجباری به عنوان یک جرم مستقل مورد ارزیابی قرار نگرفت.

۲.۴. رویه دادگاه ویژه سیرالئون

در میان اعمال وحشیانه ارتكابی در ده سال جنگ داخلی سیرالئون، هزاران زن اسیر مجبور به ازدواج با دستگیرشدگان خود و زندگی با آنها برای مدت زمان طولانی شدند (HRW, 2001, p.2). این زنان با اعمال فشار و تهدید مجبور به ایفای تمام وظایفی بودند که غالباً برای زنان شوهردار تعریف شده است (امیری، ۱۳۸۹، ص.۲۶۹). نخستین رأی درباره ازدواج اجباری به عنوان جنایت مستقل علیه بشریت در پرونده بریما و دیگران مورد استقبال جامعه مدنی قرار گرفت و پیشگام تلقی شد (Gong-Gershowitz, 2009, p.53). پس از AFRC امید زیادی وجود داشت که دادگاه ویژه سیرالئون در پرونده‌های بعدی خود به توسعه تعریف و عناصر این جرم جدید علیه بشریت ادامه دهد. تأکید رأی تجدیدنظر AFRC بر رابطه زناشویی (به جای عنصر مالکیت در بردگی جنسی) در پرونده RUF نیز تأیید شد (RUF, Sesay Trial Judgment, 2009). بنابراین، به نظر می‌رسد تمرکز بر عنصر زناشویی و دسته‌بندی ازدواج اجباری به عنوان «سایر اعمال غیرانسانی» مسیری بوده که دادگاه ویژه سیرالئون در پیش گرفته است. با این حال، وضعیت با آخرین پرونده دادگاه ویژه سیرالئون، پرونده چارلز تیلور پیچیده‌تر شد. در این پرونده، دادستان به طور صریح ازدواج اجباری را در اتهامات مطرح نکرد. تنها اتهامات جنسی و جنسیتی علیه تیلور، تجاوز و بردگی جنسی به عنوان جنایت علیه بشریت بودند، این در حالی بود که شواهد گسترده‌ای درباره روابط زناشویی

¹ Bush wife

در ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۰، شعبه اول دادگاه‌های فوق‌العاده کامبوج، پرونده‌ی ۰۲/۰۰۲ را علیه چهار عضو بازمانده‌ی کمیته‌ی مرکزی خمرهای سرخ، نون چیا، خیو سامفان، ینگ ساری و ینگ تبریت، آغاز کرد. پس از رأی تجدیدنظر در پرونده AFRC شعبه بدوی دادگاه فوق‌العاده کامبوج نیز ازدواج اجباری را نه به‌عنوان جنایت علیه بشریت ناشی از بردگی جنسی، بلکه به‌عنوان جنایتی علیه بشریت تحت عنوان سایر اعمال غیرانسانی مورد بررسی قرار داد (ECCC, 2014, paras.740-749).

در کامبوج، اکثر ازدواج‌های اجباری پس از سال ۱۹۷۵ و پس از پیروزی حزب کمونیست کامبوج معروف به خمرهای سرخ در جنگ داخلی و تسلط بر قدرت صورت گرفت. هدف رژیم تحت رهبری پل پوت، تحقق انقلاب کمونیستی و تنظیم تشکیل خانواده‌ها بود (International Federation for Human Rights, 2018, p.1; ECCC, 2018, para.39).

به گفته نهای جین^۱، خمرهای سرخ به زندگی انسان بی‌اعتنایی می‌کردند و سرکوب و کشتارهای گسترده‌ای به راه انداختند. آن‌ها کشور را به یک زندان بزرگ تبدیل کردند که بعدها به گورستانی برای نزدیک به سه میلیون نفر، از جمله اعضای خودشان و حتی برخی از رهبران ارشد، بدل شد (Jain, 2008, pp.1022–1023). در این رژیم، ازدواج‌ها بین افرادی که قبلاً یکدیگر را نمی‌شناختند، در مراسم عمومی گسترده‌ای برگزار می‌شد. این پیوندها ماهیتی غیرشخصی داشتند. زنان یا به دلیل خشونت یا ترس، یا برای اجتناب از اعزام به کار اجباری، به این ازدواج‌ها تن می‌دادند. علاوه بر این، در صورت امتناع از ازدواج اجباری، فرد با کتک‌زدن، زندان یا حتی مرگ مواجه می‌شد. به گفته‌ی برخی شاهدان، ازدواج اجباری در کامبوج یک سیاست دولتی بود (Olasolo et. al, 2023, p.1026). لوین اشاره می‌کند که در ازدواج‌های خمرهای سرخ، زنان و مردان گاهی به درخواست رؤسای اردوگاه‌های کار یا به‌صورت تصادفی و بر اساس نزدیکی جغرافیایی محل رشدشان جفت می‌شدند. به آن‌ها دستور داده می‌شد که یکدیگر را دوست داشته باشند، در برخی موارد رابطه جنسی برقرار کنند، در یک کمون با هم زندگی کنند یا برعکس، از هم جدا شوند (LeVine, 2010, p.31). ترزا دلانگیس نیز خاطرنشان می‌کند که در برخی موارد، ازدواج اجباری منجر به طرد اجتماعی و تبعیض می‌شد، به‌ویژه برای زنان مطلقه، بیوه یا زنانی که در ازدواج‌های چندهمسری قرار داشتند. این حاشیه‌نشینی اغلب به فرزندان آن‌ها نیز منتقل می‌شد، زیرا معمولاً در مراسم ازدواج جامعه‌ی خود مشارکت داده نمی‌شدند. گاهی قربانیان ترجیح می‌دادند سکوت کنند و از ترس انگ‌خوردن،

^۱ نهای جین، دارای دکتری حقوق از دانشگاه هاروارد و استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه نورث وسترن و پژوهشگر ارشد مؤسسه بوفت نورث وسترن است.

تجربیات خود را بازگو نکنند (De Langis et al., 2014, pp.57,61).

تحلیل رویه قضایی شعب فوق‌العاده محاکم کامبوج در شناسایی ازدواج اجباری نشان می‌دهد این دادگاه، با اقتباس از چارچوب دادگاه ویژه سیرالئون در پرونده بریما و دیگران، ازدواج اجباری را به‌عنوان «سایر اعمال غیرانسانی» (جنایت علیه بشریت) به رسمیت شناخت. عنصر محوری از نگاه این دادگاه «اجبار به ورود به رابطه زناشویی در شرایط تحمیلی» بود (ECCC, 2014, para.1443). در تحلیل دادگاه، دو آسیب متمایز شناسایی شد که به درک جنسیتی این جرم کمک می‌کند: نخست، خود تحمیل وضعیت «همسری» در مراسمی سازمان‌یافته و بدون رضایت به قربانیان؛ و دوم، آسیب‌های متعاقب آن از جمله تجاوزهای پس از ازدواج که عمدتاً متوجه زنان بود. این دادگاه با تشخیص ماهیت «سیاست دولتی» و سیستماتیک ازدواج‌های اجباری در دوره خمرهای سرخ، آن را در چارچوب حمله گسترده علیه غیرنظامیان قرار داد. با این حال، رویه آن در تبیین ابعاد جنسیتی متفاوت تجربه زنان و مردان قربانی، و تمرکز صرف بر آسیب‌های عمومی وضعیت تحمیلی و خشونت جنسی پس از آن، ناکافی و فاقد تحلیل جنسیتی عمیق بود.

۴.۴. رویه دیوان بین‌المللی کیفری

پیش از پرونده اونگون، دیوان بین‌المللی کیفری در پرونده کاتانگا فرصت داشت تا به مسئله ازدواج اجباری بپردازد. کاتانگا، به همراه چویی، از رهبران یک گروه شورشی در جمهوری دموکراتیک کنگو بود. او متهم به جرائم جنگی و جنایت‌های علیه بشریت، از جمله بردگی جنسی، شده بود. دادستانی می‌دانست که «دختران جوان ربوده شده و مجبور به ازدواج با مبارزان می‌شدند» (ICC, Katanga, Opening Statement by the Prosecutor, 2009, p.12)، اما با این حال، ازدواج اجباری به عنوان یک جرم مستقل تحت عنوان «سایر اعمال غیرانسانی» در کیفرخواست گنجانده نشد. شعبه پیش‌محاکمه به صراحت اعلام کرد که بردگی جنسی همچنین شامل مواردی می‌شود که زنان و دختران به ازدواج اجباری، خدمتکاری خانگی یا سایر اشکال کار اجباری همراه با فعالیت‌های جنسی تحمیلی وادار می‌شوند...» (Katanga, Decision on the confirmation of charges, 2008, para.431).

نکته جالب توجه این است که تصمیم تأیید اتهامات در پرونده کاتانگا در سپتامبر ۲۰۰۸ صادر شد، یعنی تقریباً شش ماه پس از صدور رأی نهایی در پرونده AFRC. قابل تأمل است که قضات در پرونده کاتانگا این تحول قضایی اخیر را مدنظر قرار ندادند. اگرچه دادگاه بدوی کاتانگا می‌توانست طبق ماده ۶۱(۷)(ج) اساسنامه رم، جلسه را به تعویق انداخته و از دادستان بخواهد

اصلاح اتهامات را در نظر بگیرد، اما چنین اقدامی انجام نداد. این امر را می‌توان با کمبود رویه قضایی بین‌المللی در مورد ازدواج اجباری توضیح داد (Gekker, 2014, pp.106-107).

دومین پرونده‌ای که در دیوان، شاهد بحث درباره ازدواج اجباری بود، پرونده اونگون بود. این پرونده اولین پرونده‌ای بود که دربردارنده بیشترین تعداد اتهامات ناظر بر جرایم جنسی و مبتنی بر جنسیت بود (ذاکر حسین، ۱۴۰۱، ص.۱۰۳). فزونی جرایم جنسی و مبتنی بر جنسیت در عدد اتهامات اونگون، نشانه‌ای نویدبخش برای تأمین عدالت جنسیتی قلمداد شد (De Vos Dieneke, 2016). دادستان وقت دیوان در سال ۲۰۱۵، دومینیک اونگون را به‌عنوان مرتکب مستقیم و غیرمستقیم ازدواج اجباری به‌عنوان جنایت علیه بشریت از نوع سایر اعمال غیرانسانی متهم کرد. اما وکلای مدافع استدلال کردند که این عمل باید به‌عنوان جنایت علیه بشریت ناشی از بردگی جنسی، تعقیب می‌شد (ICC, Ongwen, Pre Trial Chamber II, 2016, para.87).

در تصمیم تأیید اتهامات، شعبه‌ی مقدماتی دوم نتیجه گرفت که عنصر محوری ازدواج اجباری، تحمیل وضعیت زناشویی بر قربانی، صرف‌نظر از اراده‌ی او است؛ عملی که به ایجاد ننگ اجتماعی^۱ برای قربانی می‌انجامد. بنابراین، این شعبه اعلام کرد که ازدواج اجباری عمدتاً یک جرم جنسی محسوب نمی‌شود (Ibid., para.93). شعبه مقدماتی دوم با استناد به رأی تجدیدنظر پرونده‌ی AFRC و رویه قضایی دادگاه‌های کامبوج، نتیجه گرفت که ازدواج اجباری می‌تواند به‌عنوان جنایت علیه بشریت از نوع «سایر اعمال غیرانسانی» تعریف شود، زیرا زمانی محقق می‌شود که متهم، با زور، تهدید یا سوءاستفاده از شرایط اجبار، فرد یا افرادی را وادار به پذیرش رابطه‌ی زناشویی کند و این اقدامات بخشی از یک حمله‌ی گسترده یا سیستماتیک علیه جمعیت غیرنظامی باشد که منجر به رنج شدید یا آسیب جدی به جسم یا سلامت روانی یا جسمانی، با شدتی مشابه سایر جنایات مصرح در ماده ۷ اساسنامه، گردد (Ibid., para.89). به نظر شعبه مقدماتی دوم، ازدواج اجباری از نظر شدت با سایر جنایات علیه بشریت تحت ماده ۷ اساسنامه قابل مقایسه است، زیرا قربانیان تحت شرایط اجبار به یک رابطه زناشویی وادار می‌شوند (Ibid., para.90).

در سال ۲۰۲۱، رأی شعبه نهم دیوان تأیید کرد که جنایت «سایر اعمال غیرانسانی» تحت ماده‌ی ۷(ک) اساسنامه رم باید به‌صورت مضیق تفسیر شود تا اصل قانونمندی جرایم رعایت گردد (ICC, Ongwen, Trial Chamber IX, 2021, para.2741). مطابق با تصمیم تأیید اتهامات، شعبه نهم دیوان تمایز بین جنایت بردگی جنسی و سایر اعمال غیرانسانی را تشریح کرد:

¹ Social Stigma

فزاینده و در حال تحول جرم‌انگاری ازدواج اجباری است (Mionki, 2010, p.270). علیرغم این روند، آشکار است که رویه‌های قضایی مختلفی توسعه یافته است؛ ازدواج اجباری هم به عنوان «سایر اعمال غیرانسانی» تعقیب و محکوم شده و هم به عنوان جرم جنسی ذیل «بردگی جنسی» تلقی شده است. در سایر موارد (اگرچه ازدواج اجباری به طور خاص مورد تعقیب قرار نگرفته است)، ازدواج اجباری به عنوان «بردگی زناشویی» یا صرفاً بردگی در نظر گرفته شده است. این ناهماهنگی صرفاً شکلی نیست، بلکه بازتاب تفاوت در معیارهای محوری تفسیری توسط محاکم مختلف است. در رویکردی، دادگاه‌ها با اعمال حق مالکیت و کنترل مطلق بر خودمختاری جنسی قربانی، ازدواج اجباری را ذیل بردگی جنسی تحلیل نموده‌اند. در رویکردی دیگر، با محور قراردادن تحمیل وضعیت رابطه‌ای (همسری) و پیامدهای روانی-اجتماعی ویرانگر آن، این عمل را به عنوان سایر اعمال غیرانسانی دسته‌بندی نموده‌اند. بنابراین، انتخاب وصف کیفری تا حد زیادی به این بستگی دارد که کدام بعد از ابعاد چندگانه این جرم (کنترل جنسی یا تحمیل وضعیت اجتماعی) در بافت پرونده مورد توجه و تأکید اصلی دادگاه قرار گیرد. پرونده اونگون با تفصیل بخشیدن به رویکرد دوم، گامی مهم در جهت هماهنگ‌سازی و تثبیت یک چارچوب تحلیلی جامع‌تر برداشت.

در نتیجه، ادعای مطرح شده در ابتدای این بخش مبنی بر «وجود اجماع در حقوق بین‌الملل کیفری در مورد تعقیب و محکومیت ازدواج اجباری به عنوان جنایت علیه بشریت تحت عنوان سایر اعمال غیرانسانی» با واقعیت مطابقت ندارد. گرچه روند فزاینده‌ای در تعقیب ازدواج اجباری به عنوان «سایر اعمال غیرانسانی» وجود دارد، اما این رویه یکسان نیست. علاوه بر این، اگرچه ازدواج اجباری به عنوان جرم شناخته شده است، اما تعریف روشنتری مورد نیاز است.

۵. ابعاد جنسیتی ازدواج اجباری در رویه محاکم کیفری بین‌المللی

ازدواج اجباری که در چارچوب درگیری‌های مسلحانه یا جنایات جمعی رخ می‌دهد، جرمی به شدت جنسیتی شده است. هنجارهای جنسیتی برساخته اجتماعی، انتخاب هدف‌های ازدواج اجباری را، عمدتاً زنان و دختران، تعیین می‌کنند؛ چرا که مرتکبان بر این باورند که زنان باید پاسخگوی نیازهای جنسی و خانگی مردان جنگجو باشند و نسل بعدی جنگجویان را به دنیا آورده و پرورش دهند. حتی در مواردی که هم مردان و هم زنان مجبور به ازدواج می‌شوند، مانند مورد رژیم خمرهای سرخ، زنان و دختران اغلب در معرض قربانی شدن جنسیتی مضاعف قرار می‌گیرند. در اوگاندا، اگرچه عناصری از قربانی شدن سربازان مرد جوان در چارچوب ازدواج اجباری وجود داشت، شواهد

نشان می‌داد که قربانی شدنِ خشونت‌بارِ مداومِ دختران و زنان از مرتبه‌ای کاملاً متفاوت برخوردار بود و هرگونه عاملیت را از آنان سلب می‌کرد.

تمام پرونده‌های ازدواج اجباری بررسی شده در اینجا، سیرالئون، کامبوج، اوگاندا و مالی، حاوی یک عنصر مشترک چشمگیر بودند: یک طرح یا سیاست ریشه‌دار و مشترک برای ازدواج اجباری که توسط رهبری مرد طراحی و اجرا شده بود. دادگاه ویژه سیرالئون دریافت که شورشیان یک طرح سازمان‌یافته و گسترده برای اجرای ازدواج اجباری به کار گرفته بودند (RUF Trial Judgment, 2009, Paras.2070, 2158-2159). شعبه‌های فوق‌العاده در دادگاه‌های کامبوج خاطر نشان کرد که پل پوت و ویئو سامفان، به عنوان رهبران خمرهای سرخ، به‌طور خاص سیاست‌های ازدواج اجباری این رژیم را ترویج می‌دادند (ECCC, 2014, Paras.3567,3569). به‌طور مشابه، دیوان بین‌المللی کیفری یک طرح مشترک برای ربودن و ازدواج اجباری بین جوزف کُنی، دومینیک اونگون و دیگر رهبران ارتش مقاومت خداوند شناسایی کرد (ICC, Ongwen Trial Judgment, 2021, p.3089). در مالی نیز، دیوان بین‌المللی کیفری شواهدی را پذیرفت که نشان می‌داد گروه‌های مسلح با همکاری پلیس محلی، دختران و زنان را به‌صورت سیستماتیک مجبور به ازدواج می‌کردند (ICC, Al Hassan Confirmation of Charges, 2020, p.582). بنابراین، طراحی و اجرای سیاست ازدواج اجباری، قلمروی مردانه است؛ جایی که رهبران نظامی و سیاسی مرد در چارچوبی پدرسالارانه و در میانه درگیری‌های آکنده از مردسالاری هژمونیک حکمرانی می‌کنند (Connell, 2014, p.5).

علاوه بر این، سیاست ازدواج اجباری شامل استفاده از تجاوز جنسی (و به‌طور گسترده‌تر خشونت جنسی) نیز می‌شود. این خشونت «امتدادی جامعه‌پسند از اقتدار مردانه است، راهی برای کسب و حفظ قدرت و تسلط بر زنان» (Baumeister, 2018, p.48). با این وجود، ابعاد جنسیتی جرائم ازدواج اجباری و تجاوز جنسی توسط دادگاه‌ها و محاکم مورد توجه قرار نگرفته است. رفتار با دختران و زنان در قالب ازدواج اجباری در بستر جنایات، توسط محاکم بین‌المللی در چارچوب تبعیض و خشونت گسترده‌تر علیه زنان بررسی نشده، یا اگر هم اشاره‌ای به تبعیض علیه زنان شده، بسیار گذرا و مختصر بوده است.

در مقابل، دو دادگاه بین‌المللی عملاً امکان قربانی شدن مردان در ازدواج اجباری را، البته در دو موقعیت متفاوت، نادیده گرفته‌اند. یافته‌های شعب فوق‌العاده محاکم کامبوج درباره تجاوز جنسی در ازدواج اجباری، مردان را از وضعیت قربانی خارج کرده، و دیوان بین‌المللی کیفری نیز این ادعا را که سربازان ارتش مقاوت پروردگار نیز در ازدواج تحت اجبار قرار گرفته‌اند، رد نموده است.

پروردگار به نفع فرماندهان مرد بود، با «همسرانی» که بر اعضای مرد رده پایین تحمیل می‌شد (Aijazi and Baines, 2017, p.463). آنها خاطر نشان می‌کنند که در حالی که برخی از سربازان مرد ارتش مقاومت پروردگار (بالا تر از درجه گروه‌بان) می‌توانستند «همسران» خود را انتخاب کنند، دیگران نمی‌توانستند، و سربازان سابق ارتش مقاومت پروردگار اظهار داشتند که «همسران» از طریق فشار و حتی تحت تهدید مجازات برای «رد کردن دختری که به عنوان همسر به شما داده شده است» ارائه می‌شدند (Ibid, p.476). رد کردن یک همسر می‌توانست به عنوان «یک عمل بی‌انضباطی» دیده شود (Denov and Drumbl, 2020, p.360). دامنه مجازات به طور جامع گزارش نشده است، اما می‌توانست شامل تنزل درجه یا مجازات شدید باشد. برخی از سربازان فقط پسر بودند و برای خواستن یک همسر خیلی جوان بودند (ECCC, 2018, pp.3690-3691). بنابراین، محققان این احتمال را مطرح می‌کنند که به جز «همسران» قربانی، برخی از «شوهران» نیز تحت ازدواج اجباری قرار گرفته‌اند (Denov and Drumbl, 2020, p.360).

در عین حال، واضح است که هرگونه تحمیل بر مردان با تجربه و اجبار دختران و زنان برابر نبود. مردان گزارش دادند که می‌توانستند انتخاب همسر خود را با فرمانده خود مذاکره کنند؛ یا درخواست یک همسر می‌کردند زیرا یکی را می‌خواستند (Aijazi and Baines, 2017, p.476). دیگران در مورد لذت بردن از دستور ربودن دختران صحبت کردند؛ هنوز دیگران به صراحت در مورد تجاوز به دختران و زنانی که «همسران» آنها بودند صحبت کردند، و به خوبی می‌دانستند که «همسران» نمی‌خواستند با آنها رابطه جنسی داشته باشند (Denov and Drumbl, 2020, p.359). یک شاهد که در پرونده اونگون شهادت داد، اظهار داشت که «در جنگل آسان نیست که یک زن پیدا کنید، بنابراین منطقی نیست که زن را رد کنید مگر اینکه زن واقعاً زشت یا دافعه‌کننده باشد»، که نشان می‌دهد امتناع امکان‌پذیر بود (ICC, Ongwen, Decision on the Confirmation of Charges, 2016).

توضیحات تجربیات سربازان سابق ارتش مقاومت پروردگار همچنان به طور ذاتی با اجبار دختران و زنان مرتبط است. آیجازی و بینز خاطر نشان می‌کنند که مصاحبه‌شونده آنها کو¹ مجبور به ازدواج با زنی شده بود که او را بی‌احترام و منزجرکننده می‌دانست (Aijazi and Baines, 2017, 477). این تصور از «همسر» به عنوان «شخص نامحترم و منزجرکننده» به راحتی می‌توانست از رفتار او در امتناع از انجام کارهای خانه یا رابطه جنسی ناشی شود، که از شهادت‌ها در پرونده اونگون مشخص است که یک واکنش رایج توسط دختران و زنان بود. در نهایت، اگرچه کو توانست برای

¹ Co

انتقال «همسر» خود به خانه دیگری استدلال کند، اما این تغییر، وضعیت اجباری ازدواج را خاتمه نداد و زن کماکان به مثابه کالایی قابل مبادله بین مردان باقی ماند.

دنوف^۱ و درامبل^۲ خاطرنشان می‌کنند که «بسیاری از شرکت‌کنندگان احساسات مثبتی در مورد همسران و فرزندان خود بیان کردند. شرکت‌کنندگان ابراز کردند که چگونه همسرانشان با انجام کارهای خانه و مراقبت از کودکان از آنها حمایت کردند» (Denov and Drumbl, 2020, p.361). با این حال، تمام «همسران» مجبور به انجام کارهای خانه و مراقبت از کودکان بودند و اشتباه است که بگوییم این یک «احساس مثبت» از یک سرباز ارتش مقاومت پروردگار است که بگوید «همسر» او کارهای خانه را برای حمایت از او انجام می‌داد. لذا، در چارچوب ارتش مقاومت پروردگار، حتی اگر ازدواج‌ها همیشه برای برخی از سربازان مرد انتخابی نبود، شرایط به مراتب کمتر از دختران و زنان خشونت‌آمیز بود، و برای بسیاری، هنوز آزادی مذاکره و انتخاب در آن «ازدواج» وجود داشت. بنابراین، هرگونه ارزیابی از تجربه مردان باید با ظرافت، در پرتو تجربیات دختران و زنان در این ازدواج‌های اجباری در نظر گرفته شود.

دفتر دادستان و قضات دیوان بین‌المللی کیفری فرصت بررسی این ظرافت‌ها را در پرونده اونگون از دست دادند. دادستان ازدواج اجباری را به عنوان جنایتی که علیه زنان و دختران ربوده شده انجام شده بود ارائه کرد، در حالی که دفاعیه استدلال کرد که هر دو جنس مؤنث و مذکر در روابط «ازدواج» مجبور به پیروی از الزامات «ازدواج» بودند. قضات حکم دادند که تحمیل ازدواج بر مردان «در ارتش مقاومت پروردگار مسئله‌ای نبود». با این وجود، دادگاه شهادت‌هایی در مورد مجازات مردان در صورت امتناع از ازدواج شنید، که شامل عدم دادن همسر برای مدت طولانی؛ کتک زدن؛ یا نیاز به توضیح برای امتناع می‌شد. برای مثال، شاهد پ-۱۴۲ شهادت داد که یک مرد می‌توانست چندین بار از یک همسر امتناع کند، پس از آن، دادگاه دریافت که هیچ مدرک قطعی وجود ندارد که اگر یک مرد از یک همسر امتناع کند، کشته خواهد شد (برخلاف دختران و زنان، که برای امتناع تهدید به مرگ می‌شدند) (ICC, Ongwen Trial Judgment, 2021, p.2229).

^۱ میریام دنوف، استاد تمام و صاحب کرسی تحقیقاتی کانادا در زمینه جوانان، جنسیت و درگیری‌های مسلحانه در دانشگاه مک گیل است.

^۲ مارک درامبل، استاد ممتاز دانشکده حقوق دانشگاه واشنگتن و لی است.

در حالی که شهادت‌ها قطعاً تفاوت در شرایط اجباری برای مردان و زنان را نشان می‌دهد، به نظر می‌رسد که دادگاه به اندازه کافی ادعاهای قربانی شدن مردان را ارزیابی نکرده یا تجربه مردان را در چارچوب محیط اجباری که دختران و زنان تجربه کرده‌اند، قرار نداده است.

یک روشی که دیوان بین‌المللی کیفری ماهیت جنسیتی جنایات ارتكابی توسط ارتش مقاومت پروردگار را تصدیق کرده است، در حکم مجازات اونگون ظاهر شد، که در آن دادگاه بدوی حکم داد که یک عامل تشدیدکننده در مجازات اونگون برای جرم ازدواج اجباری این بود که جنایات با انگیزه تبعیض‌آمیز، بر اساس جنسیت انجام شده است (ICC, Ongwen, 2021, p.288). این حکم بر «تلاش هماهنگ و روشمند... برای ربودن زنان و دختران»، مجبور کردن آنها به «ازدواج» و به عنوان خدمتکاران خانگی استوار بود (ICC, Ongwen, 2017, p.73). این یک تصمیم مثبت در تعیین مجازات است که امیدواریم به احکام آینده (و تجدیدنظر) نیز سرایت کند.

یافته‌های فوق نشان می‌دهد که علیرغم شناسایی ازدواج اجباری به عنوان جنایتی بین‌المللی در اسناد و رویه قضایی، سه چالش عمده جنسیتی در این زمینه وجود دارد: نخست، تعاریف موجود نتوانسته‌اند ابعاد جنسیتی این پدیده را به طور کامل بازتاب دهند. دوم، سازوکارهای اثباتی جرم، ماهیت سیستماتیک و ساختاری خشونت علیه زنان در ازدواج‌های اجباری را نادیده می‌گیرند. سوم، سوگیری‌های جنسیتی در فرآیند دادرسی مانع از تحقق کامل عدالت برای قربانیان شده است.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با تمرکز بر رویه قضایی محاکم کیفری بین‌المللی، به واکاوی نظام‌مند ابعاد جنسیتی ازدواج اجباری و ارزیابی میزان موفقیت این نهادها در شناسایی و رسیدگی به آن پرداخت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که نظام عدالت کیفری بین‌المللی پیشرفت‌های نظری قابل توجهی در شناسایی صوری این پدیده به عنوان جنایت بین‌المللی داشته، اما در بازتاب ماهیت جنسیتی این جرم با ناکامی‌های عملی و چالش‌های ساختاری مواجه بوده است.

رویه دادگاه ویژه سیرالئون، شعب فوق‌العاده محاکم کامبوج و دیوان بین‌المللی کیفری نشان می‌دهد که اگرچه ازدواج اجباری به عنوان جرمی مستقل در اساسنامه هیچکدام از محاکم بین‌المللی جرم‌انگاری نشده است، اما در عمل، نظام دادرسی بین‌المللی توانسته است آن را در ذیل «سایر اعمال غیرانسانی» به عنوان جنایت علیه بشریت شناسایی کند. علیرغم این شناسایی، محاکم کیفری بین‌المللی نتوانسته‌اند به درستی ماهیت جنسیتی آن را بازتاب دهند. تنوع در تعبیرها، از بردگی جنسی و بردگی زناشویی تا سایر اعمال غیرانسانی، حاکی از عدم وضوح در عناصر سازنده جرم،

به ویژه در ارتباط با مفهوم اجبار است. بررسی پرونده دومینیک اونگون به عنوان نمونه‌ای شاخص، نشانگر این تناقض است که چگونه حتی در مواردی که این جرم تحت عنوان «سایر اعمال غیرانسانی» پیگیری شده، تفسیر قضایی از عنصر اجبار، عمدتاً مبتنی بر معیارهای عینی و فیزیکی بوده و ابعاد روانی-اجتماعی و ساختاری اجبار که به طور خاص بر زنان تأثیر می‌گذارد، نادیده گرفته شده است.

پژوهش تأیید می‌کند که ازدواج اجباری جرمی ذاتاً جنسیتی است که در بستر هنجارهای مردسالارانه طراحی و اجرا می‌شود و قربانیان آن عمدتاً زنان و دختران هستند. با این حال، محاکم بین‌المللی در تحلیل خود نتوانسته‌اند به‌طور نظام‌مند این بعد را در تبیین عنصر عمد، زمینه‌ی ارتکاب جرم یا تعیین مجازات منعکس کنند. نمونه‌ی بارز آن، نادیده گرفتن یا بررسی سطحی ادعای قربانی بودن مردان در برخی پرونده‌ها (مانند کامبوج و اونگون) بدون تحلیل تطبیقی عمیق با تجربه‌ی به‌مراتب خشونت‌بارتر زنان است.

در سطح مفهومی، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تعاریف موجود در حقوق بین‌الملل کیفی از درک کامل پیچیدگی‌های جنسیتی این پدیده ناتوان هستند. این ناتوانی ریشه در دو عامل دارد: نخست، غالب بودن گفتمان حقوقی سنتی که تجارب زیسته زنان را به حاشیه می‌راند؛ و دوم، عدم توجه کافی به زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی که در آن ازدواج اجباری به عنوان ابزاری برای کنترل جنسیتی اعمال می‌شود.

در سطح دادرسی، یافته‌ها حاکی از وجود سوگیری‌های جنسیتی نظام‌مند و ساختاری در فرآیندهای دادرسی است. این سوگیری‌ها در معیارهای اثبات جرم، نحوه تفسیر قوانین، سازوکارهای جبران خسارت و حتی در عدم در نظرگیری سیستماتیک خشونت سازمان یافته علیه زنان متجلی شده است. به عنوان مثال، در بسیاری از موارد، شهادت قربانیان زن به دلیل پیش‌فرض‌های جنسیتی موجود در نظام دادرسی، با تردید مواجه شده است. با این حال، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که رویه اخیر دیوان بین‌المللی کیفری به‌ویژه در پرونده اونگون، حاکی از تحولی امیدبخش هرچند ناکافی است. این تحول نشان‌دهنده حرکت تدریجی نظام عدالت کیفری بین‌المللی به سمت درک بهتر ابعاد جنسیتی جرایم است. اما این پیشرفت‌ها زمانی می‌تواند مؤثر واقع شوند که با تغییرات ساختاری در سه سطح همراه باشد:

نخست، در سطح هنجاری-تقنینی، ضرورت دارد ازدواج اجباری به عنوان جرمی مستقل در اساسنامه رم یا در چاقوب اسناد بین‌المللی جدید جرم‌انگاری شود. علاوه بر این، نیازمند بازتعریف

ازدواج اجباری با تأکید بر ابعاد جنسیتی آن هستیم. این بازتعریف باید بتواند اشکال چندگانه اجبار (فیزیکی، ساختاری و روانی) که عمدتاً زنان را هدف قرار می‌دهد و اهداف جنسیتی آن (کنترل تولید مثل، تحمیل نقش‌های جنسیتی، تثبیت سلطه)، را دربرگیرد. دوم، در سطح دادرسی، ضرورت اصلاح معیارهای اثباتی با در نظر گرفتن شرایط خاص قربانیان زن احساس می‌شود. این شامل توسعه «اصول تفسیر جنسیتی» برای قضات بین‌المللی و طراحی مکانیسم‌های ویژه برای حمایت از قربانیان در فرآیند دادرسی است. رویه مثبت دیوان بین‌المللی کیفری در قضیه اونگون مبنی بر تشخیص انگیزه‌ی تبعیض‌آمیز جنسیتی به عنوان عامل مشدد مجازات باید تثبیت و به رویه‌ای ثابت در تمامی محاکم تبدیل شود. سوم، در سطح جبرانی، نیازمند توسعه سازوکارهایی هستیم که بتواند به نیازهای خاص قربانیان زن پاسخ دهد. این شامل غرامت‌های مالی، خدمات درمانی و روان‌درمانی ویژه، و برنامه‌های بازادغام اجتماعی است که با توجه به شرایط جنسیتی طراحی شده باشند.

در نهایت، می‌توان اظهار داشت تحقق عدالت جنسیتی در مورد ازدواج اجباری، مستلزم تحولی فراتر از تغییرات حقوقی صرف است. شناسایی صوری ازدواج اجباری به تنهایی برای تضمین عدالت جنسیتی کافی نیست. عبور از این شناسایی به سمت اجرای ماهوی و جنسیت آگاهانه، نیازمند عزمی فراتر از حیطه قضایی صرف است. این تحول نیازمند بازنگری اساسی در گفتمان حاکم بر حقوق بین‌الملل کیفری، تغییر ساختارهای قدرت در نهادهای قضایی بین‌المللی، و مشارکت فعال نهادهای مدنی زنان در فرآیندهای قانون‌گذاری و قضایی بین‌المللی است. تنها از طریق چنین تحول جامعی می‌توان به رویکردی یکپارچه و جنسیت‌محور در مواجهه با این جرم دست یافت.

منابع

۱. امیری، فاطمه (۱۳۸۹). توسعه حقوق بین‌الملل کیفری بر پایه جرم‌انگاری ازدواج اجباری به عنوان جنایت علیه بشریت توسط دادگاه ویژه سیرالئون، سال بیست و هفتم، شماره ۴۳، ۲۹۱-۲۶۷.
۲. توحیدی، احمدرضا؛ داداشی، آزاده (۱۳۹۸). رویکرد محاکم بین‌المللی کیفری در برخورد با ازدواج اجباری به عنوان خشونت جنسی، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۳۹، ۷-۴۰.
۳. ذاکر حسین، محمدهادی (۱۴۰۱). دیوان بین‌المللی کیفری دیوان بین‌المللی کیفری و انتخاب وصف منصفانه برای ازدواج اجباری، دوفصلنامه حقوق بشر، سال هفدهم، شماره ۱، شماره پیاپی ۳۳، بهار و تابستان، ۱۱۶-۹۷.
۴. رادمهر، فرزانه؛ ترشیزی، لیلا (۱۳۹۹). جرایم علیه زنان در حقوق کیفری بین‌المللی، مجله علمی فقه، حقوق و علوم جزا، شماره ۱۵، ۱-۱۳.
۵. مقدسی، محمدباقر؛ عامری، زهرا (۱۳۹۵). ازدواج اجباری؛ از ممنوعیت‌انگاری تا جرم‌انگاری، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۱۲، ۱۶۹-۱۹۸.

Books & Articles

1. Aijazi Omer and Baines Erin, 2017. Relationality, Culpability and Consent in Wartime: Men's Experiences of Forced Marriage, 11 IJTJ, Vol.11. <https://doi.org/10.1093/ijtj/ijx023> (last accessed 14/12/2025).
2. Andréewitch, Amelia Möller, 2020. Forced Marriage - A "new" Crime Against Humanity?, Faculty of Law, Lund University.
3. Askin, Kelly D., 2011. "Crimes against women under international criminal law", in: Research Handbook on International Criminal Law, Bartram S. Brown (ed.), 84-113.
4. Baumeister H., 2018 Sexualised Crimes, Armed Conflict and the Law, Routledge, Abingdon.
5. Bunting, Annie, 2012. "'Forced Marriage' in Conflict Situations: Researching and Prosecuting Old Harms and New Crimes", The Canadian Journal of Human Rights, Vol.1(1), 165-185. <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780199300983.013.19> (last accessed 14/12/2025).
6. Charlesworth, Hilary, 1991. Christine Chinkin & Shelley Wright, Feminist Approaches to International Law, American Journal of International Law, Vol.85, No.4. <https://doi.org/10.2307/2203269> (last accessed 9/12/2025).
7. Christensen, Cameron, 2015. "Forced Marriage at the Cambodian Crossroads: ECCC Can Develop a New Crime Against Humanity", Brigham Young University Law Review, Vol.6, 1825-1845. <https://digitalcommons.law.byu.edu/lawreview/vol2015/iss6/14> (last accessed 11/12/2025).
8. Cryer R., D. Robinson and S. Vasiliev, (2019) An Introduction to International Criminal Law and Procedure, 4th edn. (Cambridge University Press, Cambridge).

9. Czelusniak, Tanja, 2016. Forced marriage as a crime against humanity, Pluri Courts Research Paper, No.17-02.
10. De Langis, T., Strasser, J, Kim, T. & Taing, S., 2014. Like Ghost Changes Body: A Study on the Impact of Forced Marriage under the Khmer Rouge Regime, Transcultural Psychosocial Organisation.
11. Denov, Mariam S.; Drumbl, Mark A., 2020. 'The Many Harms of Forced Marriage: Insights for Law from Ethnography in Northern Uganda, Journal of International Criminal Justice, Vol.18, Issue.2. doi.org/10.1093/jicj/mqaa007 (last accessed 10/12/2025).
12. Eboe-Osuji, 2012. 'Forced Marriage – an International Crime?' in C. Eboe- Osuji (ed.), International Law and Sexual Violence in Armed Conflicts, Martinus Nijhoff.
13. Frulli, Micaela, 2008. Advancing International Criminal Law: The Special Court for Sierra Leone Recognizes Forced Marriage as a 'New' Crime Against Humanity, Journal of International Criminal Justice, Vol.6, No.5, 1033-1042. <https://doi.org/10.1093/jicj/mqn063> (last accessed 10/12/2025).
14. Gekker, Elena, 2014. "Rape, Sexual Slavery, and Forced Marriage at the International Criminal Court: How Katanga Utilizes a Ten-Year-Old Rule but Overlooks New Jurisprudence", Hastings Women's Law Journal, Vol. 25(1), 105-133. <https://repository.uclawsf.edu/hwlj/vol25/iss1/7> (last accessed 10/9/2025).
15. Gong-Gershowitz, Jennifer, 2009. "Forced Marriage: A 'New' Crime Against Humanity?", North-western Journal of International Human Rights, Vol.8(1), 53-75. <https://scholarlycommons.law.northwestern.edu/njihr/vol8/iss1/3> (last accessed 13/12/2025).
16. Jain, N., 2008. Forced Marriage as a Crime against Humanity, Problems of Definition and Prosecution', Journal of International Criminal Justice, Vol.6. <https://doi.org/10.1093/jicj/mqn064> (last accessed 10/9/2025).
17. Kalra, Monika Satya, 2001. "Forced Marriage: Rwanda's Secret Revealed", U.C. Davis Journal of International Law & Policy, Vol.7(2), 197-221.
18. LeVine, P. 2010. Love and Dread in Cambodia: Weddings, Births, and Ritual Harm Under the Khmer Rouge, National University of Singapore Press.
19. Manne, Kate, 2018. Down Girl: The Logic of Misogyny, Oxford University Press.
20. Mionki, Judy, 2010. "The Evolving Trend to Criminalize Forced Marriage in International Criminal Law", in: Hague Yearbook of International Law, Nikos Lavranos et al. (eds.), Vol. 23, 269-310. https://doi.org/10.1163/9789004244689_011 (last accessed 14/12/2025)
21. Olasolo, Héctor et. al, 2023, "Forced marriage and its legal characterization as a crime against humanity: sexual slavery, other inhumane acts, or both?", International Law Clinic Reports, Vol.4, Bogotá: Universidad del Rosario. <https://urosario.edu.co/sites/default/files/2023-03/Forced-Marriage.pdf> (last accessed 14/12/2025)
22. Oosterveld, V, 2019. 'Forced Marriage: Terminological Coherence and Dissonance in International Criminal Law', William & Mary Bill of Rights Journal, Vol.27(4). <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780199300983.013.19> (last accessed 14/12/2025)

23. Raewyn Connell, 2005. 'The Study of Masculinities' (2014) 14 Qualitative Research Journal 5; Raewyn Connell, Masculinities, 2nd edn, Polity.
24. Rosenthal, Indira; Oosterveld, Valerie & SáCouto, Susana (eds), 2022, Gender and International Criminal Law, Oxford University Press.
25. Scharf, Michael; Matter, Suzanne, 2005. "Forced Marriage: Exploring the Viability of the Special Court for Sierra Leone's New Crime against Humanity", case research paper in legal studies working paper. <https://ssrn.com/abstract=824291> (last accessed 13/12/2025)
26. Van Schaack, Beth, 2008. Engendering Genocide: The Akayesu Case Before the International Criminal Tribunal for Rwanda, Santa Clara Law Digital Commons.
27. Zinsstag Estelle and Busck-Nielsen Claeys, Virgine, 2018. Sexual Violence as an International Crime, the Restorative Paradigm and the Possibilities of a More Just Response' in M Bergsmo (ed), Thematic Prosecution of International Sex Crimes, TOAEP, Beijing. <http://researchrepository.napier.ac.uk/Output/4174397> (last accessed 13/12/2025)

Document & Cases

1. Committee on Elimination of Discrimination Against Women (CEDAW)
2. ECCC, the Prosecutor v. Nuon Chea, Khieu Samphan, Ieng Sary & Ieng Thirith, Trial Chamber, Judgment, August 7, 2014, Case No.: 002/02.
3. ECCC, the Prosecutor v. Nuon Chea, Khieu Samphan, Ieng Sary & Ieng Thirith, Trial Chamber, Summary of judgment in case 002/02, November, 16, 2018, Case File No. 002/19-09-2007/ECCC/TC.
4. ECCC, Co-Prosecutors v. Nuon Chea and Khieu Samphân, Case No. 002/19-09-2007/ECCC/OCIJ, Closing Order, 15 September 2010.
5. ECCC, Khieu Samphân (Appeal Judgement) Extraordinary Chambers of the Courts of Cambodia, Case 002/19-09-2007 ECCC/SC, 23 December 2022.
6. Human Rights Watch, "We'll Kill You If You Cry: Sexual Violence in the Sierra Leone Conflict", Vol. 15, No. 1 January 2003.
7. ICC Pre-Trial Chamber, Al Hassan Confirmation of Charges, 23 April 2020.
8. ICC, the Prosecutor v. Dominic Ongwen, Pre Trial Chamber II, Decision on the confirmation of charges,
9. ICC, the Prosecutor v. Dominic Ongwen, Trial Chamber IX, Trial Judgment, February 4, 2021, Doc. No.: ICC-02/04-01/15.
10. ICC, Prosecutor v. Dominic Ongwen, Judgment on the appeal of Mr Ongwen against the decision of Trial Chamber ix of 4 February 2021 entitled "Trial Judgment", Case No. icc-02/04-01/15 A, Appeals Chamber, Judgment, 15 December 2022 (Ongwen Appeals Judgment).
11. International Federation for Human Rights. (2018), 'Cambodia: In landmark verdict, the Khmer Rouge Tribunal recognizes forced marriage as a crime against humanity and convicts former Khmer Rouge leaders for genocide'. International Federation for Human Rights.
12. Prosecutor v. Katangam Decision on the confirmation of charges. ICC ICC-01/04-01/07-717, 14 October 2008.

13. The Case of the Prosecutor v. Germain Katanga and Mathieu Ngudjolo Chui, ICC-01/04-01/07 Opening Statement (Check against Delivery), The Hague 24 November 2009,
14. Request for Leave to Submit Amicus Curiae Brief for Forced Marriage ECCC, 14 June 2016, filed to the Trial Chamber.
15. SCSL Prosecutor v. Brima et al. (AFRC case) (SCSL-2004-16-T), Trial Chamber, 20 June 2007.
16. U.N. Secretary-General, Conflict-related sexual violence: Rep. of the Secretary-General, U.N. Doc. S/2019/2080 (March 29, 2019).
17. U.N. Secretary-General, Report of the Secretary-General on the implementation of Security Council resolutions 1820 (2008) and 1888 (2009), U.N. Doc. A/65/592*-S/2010/604* (Nov. 24, 2010), s.6.
18. Prosecutor v. Akayesu ICTR-96-4, Trial judgment 2 September 1998.
19. Judgment, Nuon Chea & Kieu Samphan (case 002) (002/19-09-2007/ECCC/TC), Trial Chamber, 16 November 2018.
20. S.C. Res. 1820 (June 19, 2008).
21. The UN, Secretary-General Appointments. (2010, January 2) Secretary-General Appoints Margot Wallström of Sweden as Special Representative on Sexual Violence in Conflict [Press release].
22. S.C. Res. 1960 (December 16, 2010).
23. <https://www.hrw.org/news/2015/04/14/iraq-isis-escapees-describe-systematic-rape>
24. March 23, 2016, Doc. No.: ICC-02/04-01/15.
25. ICC OTP 'Strategic Plan June 2019-2021' (17 July 2019).
26. ICC, Prosecutor v. Dominic Ongwen, Case No. icc-02/04-01/15, Trial Chamber ix, Judgment, 4 February 2021 (Ongwen Trial Judgment)
27. ICC, Prosecutor v. Dominic Ongwen, Case No. icc-02/04-01/15-422-Red [93], Pre-Trial Chamber, Decision on the confirmation of charges against Dominic Ongwen, 23 March 2016.
28. Transcript, Ongwen (ICC-02/04-01/15-T-28-ENG), Trial Chamber, 16 January 2017, testimony of Prof. Allen.
29. Prosecutor v. Kunarac et al. IT-96-23 & 23/1, Trial judgment 22 February 2001.
30. ICC, Decision on the Confirmation of Charges, Ongwen (ICC-02/04-01/15), Pre-Trial Chamber, 26 March 2016.
31. SCSL, Prosecutor v. Charles Taylor, Case No. scsl-03-01-T, Trial Chamber, Judgment, 18 May 2012.
32. ICC, Prosecutor v Dominic Ongwen, (Sentence) [2021] ICC-02/04-01/15.
33. Prosecutor v. Sesay, Kallon and Gbao, SCSL-04-15T, Oral Decision on RUF Motions for Judgement of Acquittal Pursuant to Rule 98, 25 October 2006 [RUF Oral Rule 98 Decision].
34. SCSL, Prosecutor v. Sesay et al. (RUF Case) (SCSL-04-15-T), Trial Chamber, 2 March 2009.
35. Brima et al. (AFRC Case) (SCSL-04-16-A), Appeals Chamber, 22 February 2008.
36. Brima et al. (AFRC case) (SCSL-2004-16-T), Trial Chamber, 20 June 2007 ('Brima et al. (AFRC Case)').
37. ICC OTP 'Policy Paper on Sexual and Gender-Based Crimes' (June 2014).

Prosecutor v. Kvočka et al. IT-98-30/1, Trial judgment 2 November 2001.

پذیرش شده برای انتشار